

## نظری اجمالی بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری‌های مسلمان نشین آسیای مرکزی و قفقاز

سکینه پور اصغری خمایی\*

### مقدمه

جمهوری‌های مسلمان نشین آسیای مرکزی و قفقاز در شمار کشورهای در حال توسعه هستند. آنها با بیش از ۵۰ سال پیروی از سیاست‌های اقتصادی غیر واقع بینانه، تحت اصول برنامه ریزی متمرکز، و محدودیتهای سیاسی و فرهنگی، هم اکنون، با وجود داشتن منابع طبیعی و معدنی غنی، از به کارگیری مؤثر آن ناتوان اند. به همین دلیل، در راستای فراهم سازی بستری مناسب برای رشد اقتصاد ملی با معضلات متعددی مواجه اند. مسائلی چون بی ثباتی سیاسی، اختلافات قومی و مشکلات حاد اقتصادی (محدودیت درآمد، افزایش بی رویه تورم، بیکاری و کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد، فقدان مقررات و چارچوب حقوقی مشخص برای سرمایه گذاری)، نداشتن توان بالفعل صنعتی و کشاورزی، وجود اقتصاد تک محصولی، فقدان تأسیسات زیربنایی کافی و مناسب و وابستگی های شدید تجاری، بویژه با جمهوری های شوروی سابق (جمهوری فدراتیو روسیه) و عدم توان رقابتی لازم برای حضور فعال در بازارهای جهانی، امکان ایجاد تحول اقتصادی را، حداقل در آینده نزدیک، ناممکن می سازد. هرچند گذار از بحران اقتصادی — سیاسی کنونی، در نهایت امکان پذیر خواهد بود، ولی رسیدن به چنین مرحله ای در وهله نخست مستلزم تلاش پیگیر و همه جانبه مسئولان و دولتمردان این جمهوری هاست. آنها باید برای رشد اقتصادی و استقلال سیاسی خود الگویی خاص را برگزینند؛ و این با توجه به پاره ای ویژگی های منطقه ای بسیار دشوار است. بعلاوه، وجود عوامل فشار داخلی و خارجی، جهت گیری های متفاوتی را در تدوین برنامه

\* سکینه پور اصغری خمایی کارشناس سازمان برنامه و بودجه است.

های توسعه ملی و منطقه ای سبب خواهد شد .

در این بین ، منافع جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان همسایه ای قدرتمند و با اشتراکات فرهنگی و عقیدتی بسیار ، ایجاب می کند که صرف نظر از برخی پیش بینی ها برای آینده این جمهوری ها ، وارد منطقه شده و حضوری فعال داشته باشد . به همین دلیل ، لازم است ، علاوه بر بهره گیری از مشترکات فرهنگی ، تاریخی و مذهبی ، استراتژی انعطاف پذیر ، منطبق با شرایط زمانی ، و مبتنی بر آینده نگری اتخاذ کنیم . ما باید با توجه به آینده مناسبات اقتصادی و سیاسی منطقه ، برنامه هایی اصولی و قابل اجرا ارائه دهیم و با استفاده از نیروی کارآمد ، حداکثر استفاده را ببریم .

\*\*\*

## اوضاع اقتصادی و اجتماعی

### الف) موقعیت طبیعی و ژئوپلیتیک

جمهوری های مسلمان نشین ، با وجود برخورداری از ۱۸ درصد زمینهای شوروی سابق و به رغم وسعت قابل توجه ، به سبب داشتن بیابانهای وسیع ، بشدت با محدودیت منابع خاک و آب مواجه اند . این امر خود مانع عمده ای بر سر راه توسعه اقتصادی ، بویژه فعالیتهای کشاورزی است . برای مثال ، چهارپنجم خاک ترکمنستان و ۷۰ درصد خاک ازبکستان ، در منطقه بیابانی قره قوم — بزرگترین منطقه بیابانی آسیای مرکزی — قرار دارد . این شرایط اقلیمی ، بویژه شباهت نسبی با موقعیت جغرافیایی ایران دارد .

بعلاوه ، همجواری با جمهوری فدراتیور روسیه ، جمهوری اسلامی ایران و چین و نزدیکی به منطقه پر آشوب خاور میانه و شبه قاره هند ، این منطقه را در موقعیت ویژه ای قرار داده است . همچنین وجود سلاحهای استراتژیک در این جمهوری ها ، بخصوص قزاقستان ، در خور توجه است ، بویژه که منطقه در پی تحولات اخیر ، دستخوش تشنجات و دگرگونی های عمیق ساختاری شده است . در ضمن ، تشنجات قومی و برخورد های سیاسی نیز ،

هرچند در وهله نخست امنیت منطقه را مورد تهدید قرار خواهد داد، اما با توجه به وجود مشترکات فرهنگی و تاریخی با مناطق همجوار، بر امنیت منطقه بی تأثیر نخواهد بود.

### ب) ترکیب و اشکال جمعیتی

براساس آمار منتشر شده تا ۱۹۹۳ کل جمعیت این جمهوری ها کمی بیش از ۶۰ میلیون نفر بوده است — که بمراتب کمتر از جمعیت بیشتر کشورهای همجوار و نزدیک منطقه است. در این بین، ازبکستان و ترکمنستان به ترتیب با ۲۱,۹۳۰ و ۳,۹۶۳ میلیون نفر سکنه، بیشترین و کمترین رقم جمعیت را دارند. در مورد چگونگی پراکندگی جمعیت باید گفت که بیشتر ساکنان در مناطق روستایی زندگی می کنند؛ تنها در جمهوری های قزاقستان و آذربایجان به ترتیب ۵۸ و ۵۴ درصد جمعیت شهرنشین هستند. در واقع، پراکندگی جمعیت، با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی منطقه بسیار ناهماهنگ است. برای مثال، آذربایجان با ۸۵ نفر و قزاقستان با ۶ نفر در هر کیلومتر مربع از بیشترین و کمترین میزان تراکم جمعیت برخوردارند.

به طور کلی، میزان رشد جمعیت در منطقه، با اندک تفاوتی، سریع تر از رشد اقتصادی بوده است. به عنوان مثال، در ۱۹۹۰، قزاقستان و تاجیکستان به ترتیب با رشد ۸ درصد و ۲/۶ درصد بیشترین و کمترین رشد جمعیت را داشته اند. چنین روند رشدی در منطقه، هرچند بیانگر بهبود شاخصهای جمعیتی از جمله افزایش امید به زندگی، کاهش میزان مرگ و میر و فراهم شدن تسهیلات نسبتاً مطلوب بهداشتی و درمانی است، اما نشاندهنده تأثیر میزان رشد اقتصادی و صنعتی بر رشد جمعیت است. در این جمهوری ها، تنها شاخصهای توسعه اقتصادی در قزاقستان، نسبت به سایرین، بهتر است، در حالیکه تاجیکستان در وضعیتی بالعکس قرار دارد. (جدول ۱).

با توجه به دگرگونی ساختار سنتی، اجتماعی و فرهنگی، بر اثر جابجایی جمعیت و

تحولات سریع سیاسی جمهوری ها، و در شرایطی که در کنار جمعیت بومی، گروه‌های قومی دیگر (روسها) نیز حضوری فعال دارند، نوعی حس ملی‌گرایی برای حفظ استقلال و رشد همه‌جانبه اقتصادی از طریق بازگشت به ارزشهای قومی و فرهنگی گذشته و اتکا به توانایی‌های داخلی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها با سرعت در حال شکل‌گیری است. به همین دلیل، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده تضادهای فرهنگی، قومی و سیاسی در این جمهوری‌ها سبب بروز پاره‌ای برخورد‌ها و بی‌ثباتی‌ها شود. هم‌اکنون نیز گرایشهای متفاوتی بین مردم منطقه وجود دارد و طیف گسترده‌ای از عقاید، مخالف و موافق نظام سابق و کنونی، زمینه را برای تشتت آرا و جریانه‌های متفاوت، فراهم آورده است. این امر نیز بی‌تردید برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آینده را در این جمهوری‌ها تحت تأثیر قرار خواهد داد. علاوه بر این، با توجه به روند رشد کنونی جمعیت، که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ به بیش از ۸۳ میلیون نفر برسد، به نظر می‌آید که فراهم ساختن امکانات آموزشی، بهداشتی، ایجاد اشتغال و افزایش تولید جهت رفاه اجتماعی تقدم داشته باشد؛ زیرا افزایش بیکاری، گسترش دامنه مشکلات اقتصادی و مسائل حاد اجتماعی ممکن است با پیامدهای غیرقابل‌جبرانی برای امنیت ملی جمهوری‌ها همراه باشد. به همین سبب، یافتن راه‌حلهای کوتاه‌مدت برای کاهش و یا رفع معضلاتی از این قبیل، بیشتر مورد توجه دولتهای منطقه است.

### ج) ویژگیهای اقتصادی

#### ۱. سیمای کلان اقتصادی

براساس آمار سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰، تولید خالص مادی<sup>۱</sup> جمهوری‌ها رشد اندکی داشته است. اما در ۱۹۹۱، به رغم افزایش ناگهانی، افزایش واقعی آن نسبت به سال پایه منفی بوده است. این امر خود بیانگر تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی بر کاهش تولید در سطح منطقه است. در این بین، قزاقستان و ازبکستان هر یک با ۵۹٫۶۶۳ و

۴۵,۹۶۳ میلیون و تاجیکستان ۹,۶۱۷ میلیون روبل در ۱۹۹۱، از بیشترین و کمترین میزان تولید خالص مادی برخوردار بوده اند. این خود نشاندهنده توان تولیدی جمهوری ها می باشد و حاکی از آن است که در آینده قزاقستان بیش از سایرین توان صنعتی شدن و قابلیت رشد اقتصادی دارد. هم اکنون، عدم افزایش سرمایه گذاری های مورد نیاز در بخشهای اقتصادی، به رغم تأکید دولتهای منطقه بر لزوم فعال سازی بخش خصوصی، باعث شده که این بخش نتواند فعالیت چشمگیری داشته باشد. دولت همچنان هدایت کننده و ناظر بر فعالیتهای اقتصادی است. در این بین، فقط در جمهوری قزاقستان فعالیتهایی برای خصوصی سازی انجام شده است. تا پایان ۱۹۹۱، در مجموع ۳۸۰ مؤسسه یا واحد تولیدی دولتی به بخش خصوصی واگذار شده و سهم بخش خصوصی نیز بیش از بخش دولتی در تولید خالص مادی بوده است (جدول ۲).

به هر حال، دولتهای منطقه به منظور جلب سرمایه و افزایش سپرده ها از طریق نظام بانکی کشور، در ۱۹۹۱ اقدام به انتشار شبه پول<sup>۲</sup> کردند. در این بین، قزاقستان با ۶۱,۸۳۸ و ازبکستان با ۵۷,۷۴۴,۹ میلیون روبل بیش از سایرین سیاست مزبور را تعقیب کرده اند. در حالی که افزایش تورم و سطح پایین دستمزدها، همچنان سبب کاهش قدرت خرید مردم شده است. برای مثال، در ۱۹۹۱، سطح رشد تورم در آذربایجان ۵۰ و در قزاقستان ۸۳,۳ درصد بوده که نسبت به ۱۹۹۰ افزایش داشته است. همچنین سطح قیمتها، قیمتهای عمده فروشی و خرده فروشی، با توجه به دستمزدها، در ۱۹۹۰ در ازبکستان به ترتیب ۱۴۷,۴، ۸۲,۲ و ۵۱,۱ میلیون روبل و در ترکمنستان، در ۱۹۹۱، به ترتیب ۹۰,۴، ۲۲۴,۸ و ۵۳,۹ میلیون روبل بوده است. این وضع، با اندک تفاوتی، در سایر جمهوری ها نیز قابل مشاهده است.

همچنین شاخص بودجه جمهوری ها طی سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ نشاندهنده رشد تدریجی درآمدها و هزینه هاست — بجز آذربایجان و ازبکستان که در ۱۹۸۹ دارای

۱. NMP: یا تولید خالص مادی یعنی تولید خالص داخلی منهای خدمات، زیرا در نظامهای کمونیستی خدمات جزو امور تولیدی محسوب نمی گردد.

کسری بودجه بودند، سایر جمهوری‌ها مازاد بودجه داشته‌اند. اما در ۱۹۹۲، به رغم افزایش قابل توجه درآمدها و هزینه‌ها، تمام جمهوری‌ها با کسر بودجه قابل توجهی روبه‌رو شدند؛ بیشترین آن را ازبکستان با ۱۱٫۵ میلیون روبل داشته است. به همین سبب، دولت‌ها برای کاهش کسر بودجه خود، اقدام به افزایش درآمدهای مالیاتی، بویژه در ۱۹۹۲ کردند که هرچند تأثیر قابل توجهی بر افزایش درآمدها گذاشت، اما نتوانست کسری بودجه را جبران کند. به نظر می‌رسد یکی از علتهای افزایش هزینه‌ها که بر میزان کسر بودجه تأثیر مستقیم داشته، قطع سوبسید از جانب دولت مرکزی است. البته، قبل از فروپاشی شوروی، این جمهوری‌ها نیز متقابلاً اقدام به تأمین بخشی از بودجه دولت مرکزی می‌کردند. میزان مبلغ پرداختی آنان در ۱۹۸۸، ۱۵٫۸ درصد کل بودجه دولت مرکزی بوده است. این مقدار، در مقایسه با میزان پرداختی روسیه، مبلغ قابل توجهی نبوده است. با وجود این، قزاقستان و ازبکستان هر یک به ترتیب ۶٫۱ و ۴٫۷ درصد و ترکمنستان با ۰٫۹ درصد از ۱۵٫۸ درصد، بیشترین و کمترین میزان بودجه را به دولت مرکزی می‌پرداختند (جدول ۳).

## ۲. فعالیت بخشهای اقتصادی

براساس آمار ۱۹۹۱، بخش کشاورزی با ۳۷٫۷ و صنعت با ۳۶٫۴ درصد، بیش از سایر بخشها در کل تولید خالص مادی منطقه سهم داشته‌اند. این ارقام، بیانگر نقش مهم کشاورزی در فعالیت اقتصادی منطقه است — ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب با برخورداری از ۴۶٫۴ و ۴۳٫۴ درصد تولید خالص مادی در شمار جمهوری‌های کشاورزی منطقه محسوب می‌شوند. با وجود این، میزان اشتغال بخش اقتصادی در کل منطقه طی ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ از ۳۵٫۳ درصد به ۳۱٫۶ درصد کاهش یافته است. در حالی که تعداد شاغلان بخش صنعت از ۲۵ درصد به ۲۸٫۳ درصد رسیده است (جدول ۴ و ۵).

### \* بخش کشاورزی

به رغم تأکید بر صنعتی کردن منطقه، همچنان بخش کشاورزی نقشی اساسی در فعالیتهای اقتصادی دارد. هم اکنون، غلات در بخش وسیعی از زمینهای قزاقستان، پنبه در ازبکستان و ترکمنستان و انگور در آذربایجان کشت می شود. سبزی، سیب زمینی، میوه و فرآورده های دامی نیز از دیگر محصولات اصلی این بخش هستند که در تمام جمهوری ها تولید می شود (جدول ۶).

در هر حال، اصلی ترین مشکلات این بخش همچون کمبود زمین قابل کشت، کمبود شدید آب و لزوم گسترش و نوسازی سیستم آبیاری مناسب، بهره برداری بی رویه از خاک، استفاده بیش از حد از مواد شیمیایی و سموم گیاهی، تشدید آلودگی های زیست محیطی و مشکلاتی چون فقدان مهارت و انگیزه، عدم کفایت ساختار تولید و بازاریابی، نامتناسب بودن نظام دستمزدها و قیمت گذاری و کاهش ابتکار و نوآوری، عدم وجود نهاده های کشاورزی و مواد اولیه مورد نیاز، مهاجرت نیروی کارآمد روستایی، نارسایی بازار و سیستم حمل و نقل، عدم گرایش لازم برای سرمایه گذاری در این بخش و عدم تدوین برنامه و اتخاذ سیاستی مناسب در زمینه گذار به مرحله بعد از کشاورزی اشتراکی، همچنان به قوت خود باقی است. پیش بینی می شود که در برنامه توسعه آینده، ترویج سیاست خصوصی سازی، ایجاد انگیزه در فعالیتهای بخش کشاورزی، تنوع کشت، تقویت شبکه های نهادی، اصلاح ساختار تولید متناسب با تقاضای مصرف کنندگان، بازاریابی محصولات، تشویق سرمایه گذاری و افزایش مهارتها در تقدم قرار گیرد. برای دستیابی به این هدفها نیز باید مراکز تحقیقات کشاورزی گسترش یابد و از توان علمی و فنی خارجیان استفاده شود.

## \* بخش صنعت

توسعه صنعت در آسیای مرکزی، امری تازه و تلاشی بیرون از این منطقه بوده است. هم اکنون در ترکیب صنایع این جمهوری ها، صنایع نفت و گاز، فلزات، نساجی، تولید برق و صنایع غذایی و پتروشیمی از ظرفیت تولیدی نسبتاً مناسبی برخوردارند. همچنین وجود صنایع هسته ای در قزاقستان به این جمهوری ویژگی خاصی بخشیده است، زیرا این جمهوری نه تنها چهارمین قدرت هسته ای جهان، بلکه صنعتی ترین جمهوری شوروی سابق (پس از روسیه و اوکراین نیز) محسوب می شود. تولیدات عمده صنعتی این جمهوری تجهیزات ماشین آلات کشاورزی، سیمان، فولاد، پارچه، کود شیمیایی، وسایل حفاری، برق، تولیدات چوبی و جنگلی، نفت، زغال سنگ، سنگ آهن، بولدوزر، لاستیک مصنوعی و پوشاک است. تولیدات صنعتی دیگر جمهوری ها نیز از این قرار است: پارچه در ترکمنستان، جرتقیلهای برقی، کنسرو سازی، منسوجات، مصالح ساختمانی و کفش در ازبکستان، فلز و ماشینهای تراش و برق در تاجیکستان، مواد شوینده در قرقیزستان و کائوچوی مصنوعی، فرآورده های پتروشیمی و تجهیزات دکلهای نفت در آذربایجان.

سهم بخش مزبور در تولید خالص مادی ۱۹۹۱، بیش از همه با ۵۴٫۲ درصد متعلق به آذربایجان و ۴۱٫۱ و ۴۵٫۳ درصد به ترتیب از آن قزاقستان و قرقیزستان است. در مجموع، هر چند طی سالهای اخیر بر تعداد شاغلان این بخش افزوده شده، اما مشکلات متعددی سبب شده است که این بخش در جمهوری های منطقه نتواند از کارایی لازم برخوردار باشد. عدم توان کافی برای رقابت در بازارهای منطقه ای و بین المللی به لحاظ قیمت، کیفیت و هزینه و نیز عدم تناسب بین شاخه های مختلف صنعت و نبودن رابطه ای معقول بین صنایع بزرگ با صنایع کوچک مصرفی، وابستگی شدید به سایر جمهوری ها، در تأمین مواد اولیه و خدمات مورد نیاز بخش، فقدان مدیریت آگاه و



مبتکر، با توجه به دگرگونی های اقتصادی، رشد بی رویه کارگران بومی، با توجه به پیشرفتهای صنعتی و وابستگی شدید بخش صنعت به متخصصان و کارگران غیر بومی، ناتوانی در جذب سرمایه گذاری ها، به دلیل احتمال وقوع آشوبهای سیاسی و اجتماعی، و فقدان امنیت کافی در سطوح مختلف و عدم وجود قوانین و مقررات لازم از جمله مشکلات بخش صنعت در شرایط کنونی است.

برای غلبه بر این مشکلات، در سالهای اخیر، از سه راه حل افزایش سرمایه گذاری های صنعتی و نوسازی، تجدید نظر در تشکیلات بخش صنعت و واگذاری اختیارات بیشتر به مدیران و کارگران واحدهای تولیدی برای به حداکثر رساندن کارایی استفاده شده است. در کنار راه حل های فوق، نوسازی فنی و کاهش هزینه های تولید، جلب سرمایه گذاری برای بهبود کیفیت تولید و رفع تدریجی کنترل دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت بیشتر در فعالیتهای تولیدی و صنعتی مورد توجه بوده است. به نظر می رسد که در آینده، همچنان تأسیس صنایع کوچک خدماتی برای ایجاد اشتغال و تأمین درآمد (در کوتاه مدت)، گسترش صنایع صادراتی، ارتقای کمی و کیفی تخصصها و کالاهای صنعتی، اصلاح قوانین و مقررات، گسترش امکانات زیربنایی، ایجاد انگیزه در نیروی بخش صنعت و اصلاح مدیریت و سیاست واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی از راههای مختلف دنبال شود.

### \* بخش انرژی

بخش مزبور با توجه به برخورداری جمهوری های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز از منابع قابل توجه انرژی، بویژه نفت و گاز، در مقایسه با سایر بخشها اهمیت ویژه ای در اقتصاد جمهوری ها دارد، به طوری که در ۱۹۹۲ جمهوری های مزبور ۲۷۰۲۷، ۴۹۵۹، ۲۶۹۸ و ۰۷۵۷ کواید ریلیون\* نفت، گاز، زغال سنگ و برق تولید کرده اند که در میان

آنان قزاقستان بیشترین میزان نفت، زغال سنگ و برق و ترکمنستان بیشترین میزان گاز را تولید کرده است. مصرف انرژی منطقه ۷,۴۸۶ کواید ریلیون است که عمده ترین مصرف کنندگان آن جمهوری های قزاقستان، ازبکستان و آذربایجان هستند. در میان آنان، بجز قزاقستان و ترکمنستان، سایر جمهوری ها علاوه بر تولید، از وارد کنندگان انرژی نیز به شمار می روند. در مجموع، منطقه در ۱۹۹۲، دارای ۲,۹۲۵ کواید ریلیون انرژی مازاد بر مصرف برای صدور بود که فقط جمهوری های ترکمنستان و قزاقستان چنین مازادی داشته اند. در حال حاضر، بیشترین میزان ذخایر گاز منطقه را ازبکستان با ۱۷,۹ و قزاقستان با ۱۵,۸ تریلیون مترمکعب دارا هستند. در حالی که ترکمنستان با ۴,۵ تریلیون مترمکعب ذخیره و ۳ تریلیون مترمکعب تولید، ۱۰ درصد گاز منطقه را در سال مذکور تأمین کرده است (جدول ۷).

در حال حاضر، عمده ترین تولید کنندگان برق منطقه جمهوری های قزاقستان و ازبکستان هر یک به ترتیب با ۸۹ و ۵۵ تریلیون کیلووات ساعت هستند و پس از آنان ترکمنستان، آذربایجان، تاجیکستان و قرقیزستان هر یک با ۲۳، ۱۵، ۱۳ و ۹ تریلیون کیلووات ساعت قرار دارند که دارای توان قابل توجهی برای صدور برق به کشورهای همجوار هستند.

به طور کلی، جمهوری های آسیای مرکزی دارای منابع غنی معدنی، بویژه منابع انرژی را هستند و از قابلیت تولید چشمگیری برخوردارند که در مجموع ۶ درصد از مواد نفتی و گاز طبیعی را در شوروی سابق در ۱۹۸۹ تولید می کردند. در حالی که این رقم در ۱۹۷۰ به ۱۵ درصد می رسید. در هر حال، علت چنین کاهش چشمگیری نتیجه بهره برداری های بی رویه و عدم وجود امکانات و ماشین آلات جدید بوده که همچنان از مشکلات عمده این بخش به حساب می آید. اگرچه پیش بینی می شود که این جمهوری ها در آینده از بزرگترین تولید کنندگان نفت، گاز و برق به حساب آیند، ولی همچنان

نیازمند کمکهای مالی و فنی شرکتهای خارجی برای استخراج، راه اندازی و نوسازی برخی تأسیسات نفتی و گازی و پالایشگاهی و حتی نیروگاههای برق هستند. به همین علت، شرکتهای نفتی آمریکایی و اروپایی به تازگی قراردادهایی با این جمهوری ها منعقد کرده اند.

از دیگر مشکلات اساسی بخش انرژی، عدم دسترسی جمهوری ها به بازارهای مصرف است. در حال حاضر، به منظور کاهش این معضل، طرح عظیم احداث خط لوله ای به طول ۶۶۰ مایل که بتواند ۸۰۰ هزار بشکه نفت را روزانه از جمهوری آذربایجان به سواحل ترکیه در کنار دریای سیاه حمل کند، با بودجه ای معادل ۱٫۴ میلیارد دلار تحت بررسی است. همچنین جمهوری قزاقستان از غرب درخواست کرده است که برای انتقال نفت منطقه تنگیز\* کمکهایی در اختیار آن کشور قرار دهد.

علاوه بر مشکل فوق، از اختلاف برانگیزترین موضوعات بخش انرژی در بین جمهوری ها تعیین قیمت است، زیرا هر یک از آنان خواستار فروش نفت و گاز و سایر تولیدات براساس قیمت بازارهای جهانی هستند. به همین علت، به تازگی اوکراین، روسیه و قزاقستان اقدام به تأسیس سازمانی تحت عنوان «مینی اوپک» کرده اند. هرچند از جمهوری ترکمنستان نیز برای عضویت در این سازمان دعوت به عمل آمده، اما این جمهوری از عضویت در این سازمان خودداری کرده است. هدف اصلی «مینی اوپک»، رفع مشکلات و تسهیل معاملات نفتی بین جمهوری هاست.

#### \* بخش تجارت

عدم وجود موازنه تجاری، از بارزترین ویژگی های اقتصاد این جمهوری هاست. تحولات اخیر نیز عدم تعادل آنان را بمراتب بیش از گذشته آشکار ساخته است. براساس آمارهای موجود، کل تجارت با جمهوری های شوروی سابق در ۱۹۹۱، در مقایسه

با ۱۹۸۷، بهبود یافته است؛ بجز جمهوری قزاقستان با ۴,۱۵۵ میلیون روبل تراز منفی، سایر جمهوری‌ها دارای تراز مثبت بوده‌اند. این در حالی است که تجارت خارجی وضعیتی کاملاً متفاوت داشته و افزایش قابل توجهی در اقلام صادراتی و وارداتی به وجود نیامده است. فقط جمهوری تاجیکستان در ۱۹۹۱، از تراز مثبت در تجارت با سایر کشورها برخوردار بود (جدول ۸). البته، به نظر می‌رسد که چنین تراز مثبتی از بهبود اوضاع اقتصادی جمهوری ناشی نشده است، بلکه از عدم توان دولت برای خرید کالاهای مورد نیاز کشور، با توجه به تقاضای داخلی، و نیز تحولات سیاسی و جنگ داخلی ناشی شده باشد.

علت چنین وضعیتی در تجارت خارجی جمهوری‌ها، وابستگی‌های تجاری آنان به یکدیگر است؛ زیرا بیشتر جمهوری‌ها کالاهایی را تولید می‌کنند که قادر نیستند برای فروش آن خریداری جز جمهوری‌های دیگر بیابند. بعلاوه، نیازمند عرضه کالاهایی هستند که جز جمهوری‌های شوروی سابق خریداری ندارد. به همین دلیل نیز اقتصاد این جمهوری‌ها، در مقابل فشارها و ضربات خارجی بسیار آسیب‌پذیر است. در مجموع، نمی‌توان نسبت به رهایی از چنین وابستگی‌هایی، حداقل در کوتاه مدت، خوشبین بود. وجود این، پیش‌بینی می‌شود که به رغم وجود مشکلاتی از قبیل نوسانات ارزش روبل، خلأ قانونی، شکل تماس شرکت‌های خارجی با اقتصاد منطقه و برعکس، مدیریت و نیروی انسانی و چگونگی تأمین مالی طرح‌ها — که ممکن است در آینده نیز همچنان به قوت خود باقی بمانند — در ترکیب اقلام وارداتی این جمهوری‌ها، هدف‌های صنعتی شدن دنبال شود. مسلم است که در روابط تجاری این جمهوری‌ها منافع متقابل مطرح است. هر یک از آنان با توجه به شرایط اقتصادی مناسب‌تر (خرید نقدی، فروش متقابل اقلام ضروری، خرید با ارزهای قوی و غیره) اقدام به صدور کالا خواهد کرد و به طور متقابل، با توجه به قیمت ارزان‌تر، کیفیت بهتر و شرایط مناسب (فروش اقساطی، تهاتری و غیره) به واردات

کالا خواهد پرداخت. در این صورت، جمهوری‌ها با هر کشور خارجی یا جمهوری که بتواند پاسخگوی نیازهای آنان باشد، روابط تجاری برقرار خواهند کرد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که بیش از پیش به کشورهای صنعتی روی آورند. هم‌اکنون نیز بیشترین حجم مبادلات تجاری منطقه با اروپا، بویژه با آلمان، و آسیا، عمدتاً ژاپن و کره است.

### پیش‌بینی روابط اقتصادی با سایر کشورها

در مورد روابط اقتصادی جمهوری‌ها، می‌توان پیش‌بینی کرد که هر چند جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز از منابع بالفعل و بالقوه مطلوبی برخوردارند، اما هر یک به تنهایی قادر به فراهم کردن زمینه‌های مساعد بهره‌برداری صحیح از امکانات خود نیستند. این امر، خود توجیه‌کننده سمتگیری‌ها و چرخشهای سیاست اقتصادی آنان به سوی جامعه بین‌المللی است. بنابراین، آن دسته از کشورهایی که بتوانند امکاناتی را برای بهبود اوضاع اقتصادی این جمهوری‌ها فراهم سازند، مسلماً موفق‌تر از سایرین خواهند بود.

اگرچه پس از تحولات اخیر، روسیه دیگر نقش یک امپراتور را در منطقه بازی نمی‌کند، اما وابستگی‌های شدید جمهوری‌ها به جمهوری فدراتیور روسیه تغییر چندانی را در روابط اقتصادی آنان، حداقل در کوتاه مدت، به وجود نخواهد آورد. البته، رهبران این جمهوری‌ها خود به وجود چنین وابستگی‌هایی کاملاً واقف‌اند و تمایل دارند همچون گذشته به مناسبات تجاری خود با روسیه ادامه دهند. در حالی که روسیه برای حل مشکلات اقتصادی خود، علاوه بر قطع سوبسید، تصمیم گرفته است، بدون توجه به مشکلات اقتصادی این جمهوری‌ها عمل کند. برای مثال، کنترل ارزش روبل که به وسیله

بانک مرکزی روسیه و بدون توجه به اوضاع اقتصادی این جمهوری ها صورت می گیرد ، اثرات نامطلوبی برجای نهاده و سبب شده است که آنها در مورد انتشار ارزی جدید مطالعه کنند . البته ، مشکلات سیاسی و اقتصادی روسیه و ناتوانی آن در پاسخگویی به نیاز جمهوری ها ، رها کردن یکباره آنان با انبوه مشکلات ناشی از سلطه کمونیسم ، بهره برداری های بی رویه از منابع طبیعی منطقه در گذشته ، و اعمال تبعیضات آشکار بین جمهوری های آسیایی و اروپایی ، سبب بروز بدبینی هایی بین این جمهوری ها نسبت به روسیه شده است . هم اکنون ، مسئله اقلیتها ، وضعیت اقتصاد داخلی ، بازار و مسئله رقابت ، از جمله مسائل اساسی در بین جمهوری ها می باشد که ممکن است موجب بروز اختلاف نظرانی میان آنان شود . همان طور که پیش بینی می شود جمهوری های اسلاو — متشکل از روسیه سفید و اوکراین — با کشورهای اروپایی در آینده همکاری نزدیکی خواهند داشت ، حتی احتمال پیوستن آنان به جامعه اقتصادی اروپا ، بعید به نظر نمی رسد . در حالی که جمهوری های مسلمان نشین آسیای مرکزی و قفقاز ، به سمت هم کیشان مسلمان خود — یعنی ایران و ترکیه — تمایل خواهند داشت . در این بین ، پیوستن آنان به سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) — که یکی از آشکارترین موضعگیری های این جمهوری هاست — صحت چنین مدعایی را به اثبات خواهد رساند . از طرفی ، هرچند وابستگی های بین جمهوری ها ممکن است در آینده آنان را به سمت همکاری نزدیک تر با یکدیگر ، در قالب اتحادیه یا سازمان اقتصادی ، و دیگر انواع همکاری مشترک ، سوق دهد ، اما نیاز به تجدید ساختار اقتصادی و صنعتی و ضرورت انتقال تکنولوژی به منطقه ، ایجاد رابطه نزدیک با سایر کشورهای صنعتی را غیرقابل اجتناب خواهد ساخت . این در حالی است که به رغم وجود بازارهای پر رونق مصرف ، نیروی انسانی ارزان و مواد اولیه کافی در آسیای مرکزی ، عدم ثبات سیاسی و برخی مشکلات حقوقی و اقتصادی ، ناشی از اقدامات نظام بشدت متمرکز گذشته ، سبب شده که سرمایه گذاران اروپایی برای تأسیس

واحدهای صنعتی و مساعدت به اجرای طرحهای مختلف تردید کنند. به نظر می رسد که به رغم تلاش جمهوری ها برای جلب اعتماد خارجیان جهت انجام فعالیتهای اقتصادی و با توجه به ملاحظات سیاسی و اقتصادی اروپا در این بخش از آسیا، فقط یک یا دو جمهوری که توان بهتری دارند بتوانند در چند سال آینده با اروپا روابط حسنه برقرار کنند، در این بین قزاقستان تقدم خواهد داشت. در مجموع، گرایش این جمهوری ها به اروپا، بستگی به سیاست اروپا در قبال ترکیه دارد، یعنی چنانچه ترکیه وارد جامعه اقتصادی اروپا شود، دست اروپا تا مرزهای چین نیز گشوده خواهد شد. مانع عمده در برقراری روابط اقتصادی منطقه با اروپا، دوری آنان از یکدیگر است که مستلزم عبور از کشورهای هم مرز و پرداخت حق ترانزیت می شود.

همچنین تحولات اخیر، عوامل نا امنی و بی ثباتی تازه ای را وارد محاسبات سیاسی منطقه کرده و نقشه خاورمیانه را با ابعاد گسترده تر و مسائل جدیدتری برای ایالات متحده آمریکا مطرح ساخته است. بویژه، گرایش سیاسی و اقتصادی جمهوری ها به سمت کشورهای منطقه، پس از ورود آنان به اگو، سبب تجدید نظر سیاست آمریکا در منطقه شده است. آمریکا، جلوگیری از گرایش کشورهای مذکور به جمهوری اسلامی ایران، کوشیده است تا ضمن اشاعه اندیشه غیرمذهبی در منطقه، تکنولوژی را از ترکیه و سرمایه را از عربستان سعودی به این جمهوری ها صادر کند. علاوه بر این، ارسال کمکهای فنی اقتصادی، تشویق سرمایه داران آمریکایی برای حضور فعال در منطقه، حمایت از جمهوری ها برای اخذ کمکهای مالی و فنی از سازمانهای بین المللی نیز به منظور جلب اعتماد و ایجاد نا امنی و تبلیغات سوء برای جلوگیری از وحدت اقتصادی منطقه بوده است. به نظر می رسد که در آینده، مناسبات اقتصادی منطقه آسیای مرکزی با منطقه آسیای جنوب شرقی و ژاپن، گسترش بیشتری یابد؛ زیرا وجود بازارهای مناسب برای صدور کالاهای مصرفی، نزدیکی جغرافیایی و عوامل تولید مناسب در منطقه، مورد توجه کشورهای تازه

صنعتی شده آسیای جنوب شرقی است. به طور متقابل نیز استفاده از تجربیات موفق این کشورها برای رشد و توسعه اقتصاد بازار، مورد توجه جمهوری های آسیای مرکزی است.

از میان کشورهای همجوار منطقه، جمهوری خلق چین تنها راه ارتباطی مناسب برای برقراری روابط تجاری این جمهوری ها با آسیای جنوب شرقی است که با توجه به قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و موقعیت ممتاز استراتژیک، عاملی مهم در مناسبات آتی اقتصادی منطقه آسیای میانه تلقی می شود. هرچند موضع چین در قبال منطقه، همواره موضعی محتاطانه و دفاعی بوده است، اما این کشور هم اکنون تلاش وسیعی را در سطح سیاست خارجی خود آغاز کرده است. تبلیغ و ترویج روابط، تقلیل و یا حل اختلافات ایدئولوژیک و مرزی — حل اختلافات مرزی با تاجیکستان — در همین راستا قرار دارد؛ زیرا چینی ها اکنون تهدیدات را کمتر از گذشته ارزیابی می کنند و مایل اند که در توسعه اقتصادی منطقه فعالیت داشته باشند. به طور کلی، از آغاز دهه ۸۰، چین برای حضور فعال خود در بازارهای جهانی، تلاش گسترده ای را در زمینه توسعه کمی و کیفی، امکانات موجود داخلی و بازاریابی به عمل آورده است. چین، مسلماً با پیش بینی امکان برقراری روابط تجاری پرسود در آینده، بر میزان فعالیت خود در منطقه خواهد افزود. بعلاوه، در مقایسه با سایر کشورهای همجوار آسیای مرکزی، توان علمی و فنی قابل توجه چین عاملی مهم در گسترش روابط آتی اقتصادی این کشور با منطقه خواهد بود. بر عکس افغانستان که در شمار فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شود، به رغم اشتراکات قومی و فرهنگی دیرینه با جمهوری های آسیای مرکزی و برخورداری از موقعیت ارتباطی مهم، به سبب توان محدود اقتصادی که بمراتب در سطحی پایین تر از توان اقتصادی جمهوری های منطقه است، قادر به گسترش همکاری های اقتصادی خود با این کشورها نخواهد بود.

ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان با حکومتی غیرمذهبی، با ثبات و متمایل به



غرب، دارای مزیت‌های نسبی قابل توجهی در آسیای مرکزی و قفقاز است. ترکیه در یک بازرگاری در نقش خود، اساس ورود خود به منطقه را بر مدرنیزه کردن، دموکراسی و سیستم بازار آزاد قرار داده است؛ زیرا در زمینه تجدید ساختار اقتصادی و تعدیل به پیشرفتهای مهمی در زمینه اصلاحات مالی، دولتی، تجارت (آزادسازی و توسعه صادرات و واردات)، توسعه و مدرنیزه کردن امور زیربنایی، ارتباطات و سیاست گذاری های سرمایه گذاری خارجی دست یافته است. ترکیه، اساساً به اصلاحاتی بنیادی در ساختار اقتصادی خود دست زده که در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، موفق تر بوده است. به همین سبب، ترکیه به تبلیغ الگوی اقتصادی خود در بین کشورهای منطقه آسیای مرکزی پرداخته و توانسته است رؤسای برخی از این جمهوری ها را نسبت به گزینش چنین الگویی متقاعد سازد. از سوی دیگر، ترکیه سعی دارد که از نژاد ترک در داخل و خارج ترکیه حمایت کند و در این راستا، به اشاعه افکار ناسیونالیسم ترکی پرداخته است. ترکیه، به رغم برخورداری از موقعیت پیرامونی، در مقایسه با سایر کشورهای همجوار، و برخورداری از ۳۰ کیلومتر مرز مشترک با آذربایجان — به عنوان تنها راه ورود آذربایجان به منطقه — در تلاش است یک بلوک ترک ایجاد کند. به این منظور، علاوه بر موارد فوق، همکاری های خود را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترش داده است. این کشور، با توجه به برخورداری از حمایت همه جانبه غرب، در آینده مانور بیشتری در منطقه خواهد داشت زیرا به استثنای ملاحظات سیاسی، از نظر اقتصادی، وجود نظام آزاد اقتصادی، تخصیص بهتر و مناسب تر عوامل تولید را امکان پذیر کرده و کالاهای آن با کیفیت بهتر و قیمتی ارزان تر در منطقه به فروش می رسد. هم اکنون، رقابت شدیدی بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بازار این جمهوری ها وجود دارد که در نهایت، به نفع جمهوری ها خواهد بود.

به طور کلی، استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز، از ابتدا و در پی تحولات اخیر، براساس بسط و توسعه همکاری های

دوجانبه اقتصادی، ایجاد مناسبات بهتر سیاسی، گسترش همکاری های فرهنگی و حمایت های سیاسی برای حضور این جمهوری ها در مجامع بین المللی بوده است. در حالی که ارزیابی اقدامات به عمل آمده نشان می دهد که هنوز کشش های لازم در روابط اقتصادی با جمهوری های منطقه، با توجه به افق وسیع همکاری ها، به وجود نیامده است.

هم اکنون، گسترش سازمان اگو، با توجه به وسعت و توان بالقوه و بالفعل و نیز اهمیت سیاسی و اقتصادی آن در این بخش از آسیا، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. در حالی که طرح گسترش همکاری های چندجانبه بین کشورهای حاشیه دریای خزر به منظور فراهم سازی زمینه های ایجاد یک اتحادیه اقتصادی از یکسو و احیای مجدد جاده ابریشم جهت گسترش همکاری های اقتصادی با کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، از سوی دیگر، با توجه به امکانات قابل پیش بینی در چارچوب چنین همکاری هایی قابل بررسی است که جای دارد بیش از پیش مد نظر قرار گیرند.

بعلاوه، در مورد همکاری های دوجانبه نیز قبل از هر چیز ارزیابی دقیق امکانات و نیازهای مشترک و پیش بینی های لازم، با توجه به تقدمات برنامه های اقتصادی ضروری است که لازمه آن مطالعه و بررسی دقیق و ایجاد هماهنگی های لازم با مشارکت تمام ارگان های دولتی می باشد. همچنین تقویت موضع ایران در کمیسیون های مشترک اقتصادی و رفع برخی مشکلات موجود در سطح ملی از جمله کاهش ضعف شبکه های زیربنایی، افزایش توان ارائه خدمات لازم در مبادی ورودی و خروجی کالاها و خدمات و تشویق بخش خصوصی در فعالیتهای تولیدی از جمله اقدامات ضروری است. به طور کلی، محورهای اساسی همکاری جمهوری اسلامی ایران در مورد همکاری های چندجانبه و یا دوجانبه با این جمهوری ها می تواند عمدتاً بر محور فعالیتهای مربوط به انرژی، حمل و نقل و ارتباطات -توریسم، محیط زیست، کشاورزی، توسعه منابع انسانی و صنعت قرار گیرد.

به هر حال ، ورود به منطقه آسیای مرکزی باید با شناخت از طرفهای رقیب ، شناخت کامل منطقه و با ابزارهای اقتصادی ، فنی و فرهنگی و با توجه به توانایی های ما و تأکید بر بهره برداری های متقابل همراه باشد تا دستیابی به نتایج عملی تر را امکان پذیر سازد ، بویژه در شرایطی که ترکیه با استفاده از چنین عواملی تاکنون موفق تر از جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز عمل کرده است .



**مأخذ :**

1. ESCAP, "The Asian Republics of the former Union of Soviet Socialist Republics: Current Economic and Social Situation and Possibilities for Closer Economic Cooperation with the ESCAP Region", (XI VII), IMF, 6-7. April. 1992, pp. 1-19.
2. Oil and Gas Journal, March. 22, 1993, p.30.
3. Oil and Gas Journal, Feb. 1, 1993, pp. 28-34.
4. Statistical Yearbook, USSR State Committee on Statistics,U.N. 1989.
5. The Economist Intelligence Unit, Country Profile, Asian Republics, 1992-93.
6. UNDP, Human Development Indicators, 1993.

